انتظار فرج بزرگترين فرج است

 سردبير

بدون ترديد سخنان معصومين عليه السلام گاه در عين ايجاز، حاوي متعالي ترين معاني است. اگر کسي تلاش نمايد تمامي معارف مهدوي را در جمله­اي به ايجاز بيان نمايد، نخواهد توانست به زيبايي كلام امام زين العابدين عليه السلام آموزه زيباي مهدويت را به تصوير بكشاند. آن حضرت در اين كلام موجز خويش هم زيبايي­هاي آرمانشهر اسلامي را با تعبير فرج بيان نموده است و هم امتداد آن را از حال تا آينده كامياب به فرج به تصوير كشيده است. آري، انتظار فرج و زيبايي در آينده، بزرگترين فرج و زيبايي از هم اينك زمان جاري است.

اما، سخن تنها از زيبايي تصوير نهفته در وراي كلمات پنج گانه «انتظار الفرج من اعظم الفرج» نيست، بلكه معاني متعالي نهفته در وراي آنها از اهميت بيشتري برخوردار است. در واقع اگر بتوانيم با اين كلمات خماسي ابعاد و زواياي انتظار فرج را بيان كنيم، خود گوشه­اي از بي­نهايت و قطره­اي از اقيانوس را رقم خواهد زد كه تمامي ابعاد و زواياي آموزه مهدويت از آن برخوردار است. انتظار فرج از اين جهت جا دارد موضوع تحليلهاي علمي بسياري باشد كه جامعه امروز ما تشنه سيراب گشتن بدان است.

چند برگي را از اين دفتر ورق مي­زنيم. اگر نگاهي به حال زار و آشفته بشر امروزي بيندازيم، خواهيم ديد كه انسان مدرن و به ظاهر پيشرفته و صنعتي شده امروز به رغم آنكه تمامي لوازم عيش و عشرت و خوشي او را احاطه كرده است، اما از دست يافتن به آرامش خاطر بري و بي بهره است. تمامي لذات مادي در كنار اوست و او در تنهايي خويش اسير غم و اندوه است. تصور مرگ همچون ديوي سركش و وحشي، خواب خوش تنعم به نعمتهاي مادي دنيوي را در كام او تلخ كرده است. او بيمار است، اما درد او را تنها اميد چاره است. درماني كه او در اختيار نداشته و دچار تنگناهاي زندگي مادي شهواني خويش است. راستي اگر او به خدا ايمان داشت و مي­دانست فرج در راه است، باز چنين بود. هيهات! هيهات!

عصر حاضر را عصر بحران هويتها و ظهور هويتهاي چهل تكه در عصر مجازي جهاني شدن قلمداد كرده­اند. عصري كه آشفتگي ناشي از ادغام و در هم رفتگي فرهنگها و تمدنها حتي آسايش قبلي را از انسان امروز گرفته و او را بيشتر درگير خود كرده است. انساني كه در مقابل خويش تصويرهاي مختلفي از زندگي را مي­بيند. انساني كه هر روز فرهنگها و مردماني را با سبكها و سليقه­هاي مختلف زندگي مي­بيند، گاه از يافتن راه از بي­راهه مي­ماند. ارزشها، سيلانيت يافته و مأمني براي انسان امروزي نيست. اما راستي كجا بايد پناه برد؟ آيا، مأمن و پناهگاهي جز باور به ظهور جامعه أمن و سلام مهدوي وجود دارد؟! پس چنين است كه براي انسان دچار بحرانهاي مختلف اجتماعي، فرهنگي و هويتي انتظار فرج، بزرگترين فرج است. فرجي كه منتظران واقعي را پيش از اين از در افتادن در چنان بحرانهايي نجات داده است.

اما در جامعه بايد زندگي كرد. جامعه نياز به سياست و مديريت دارد. باز در جهان آشفته بازار ايدئولوژيها و مكاتب مختلف بشري كه هر روز يكي مي­آيد و يكي مي­رود، بايد دست به دامان كدامين شد؟! آيا اين ايدئولوژيها كه همانند زبدي مي­آيند و مكثي ندارد تا آدمي را سيراب نمايند، ارزش دل بستن را دارد. همين چند صباح پيش بود كه ايدئولوژي ناسيوناليسم گوش جهانيان را با طنينهاي سهمگين خود كر كرده بود! اما اندكي نگذشت كه در پيشگام جهاني شدن دچار فراموشي ابدي گرديد. آيا سراب پايان تاريخ ليبرالي نيز جز اين خواهد بود! افليس الصبح بقريب!. اما نه چاره­اي ديگر است. هر چند ما شكوه­گر فقدان پيامبر خويش و غيبت وليّمان هستيم، اما راه بسته نيست: «انتظار الفرج من اعظم الفرج». چند قدمي ديگر بايد تحمل و تأملي عميق در حال خويش كرد!

فصلنامه انتظار موعود كه سالهاست همراه شما بوده است، اينك در رويكردي جديد تلاش مي­نمايد با كسب «امتياز علمي- پژوهشي»، منتظران موعود را به تأملات عميق در اوضاع زمانه و آرمانشهر مهدوي فرا بخواند. همگي بايد بكوشيم، تا با عميقترين نگاهها، نابترين پيامها را براي انسان بحران زده امروزي، از زلال آب معين مهدوي عرضه نماييم. اين همان رسالتي است كه كارگشاي مشكلات علمي ما در جهان كنوني خواهد بود و خواهيم توانست در زمينه‌سازي ظهور منجي موعود، نهضت نرم افزاري مهدوي را رقم زنيم!.